ادامه از صفحه اول

حمایت از جنبش مقاومت پنجشیر ضرورت‌ها و ملاحظات

۳. هرچند نام پنجشیر با احمد شاه مسعود عجین شده و کمتر کسی در شخصیت بی‌همتا، توان نظامی و مهارت گفت‌وگو با دیگر جناح‌های داخلی و قدرت‌های خارجی او شک دارد، اما توان و انگیزه رهبران کنونی پنجشیر و اصالت نیت آنان در مبارزه علیه طالبان شاید مهم‌ترین نکته‌ای است که از نظر مشروعیت این جنبش و از سوی برخی تحلیلگران مورد سؤال قرار گرفته. برخی مذاکرات اخیر با طالبان را صرفا چانه‌زنی برای امتیاز بیشتر و اصرار بر ضمانتی قوی‌تر برای سهم‌خواهی (حتی تا یک‌سوم قدرت) در دولت فراگیر طالبان و نه حمایت از ارزش‌های بشری و آرمان‌های ملی می‌دانند. اما بسیاری با اتکا به محتوای مذاکرات با طالبان و شکست آن و در نتیجه شروع جنگ تمام‌عیار بر اصالت انگیزه رهبران پنجشیر و تأکید بر منافع ملی، ارزش‌های مردم‌سالارانه و رودارانه آنان معتقدند این جنبش شرایط و مشروعیت کافی برای حمایت را دارد و با استمرار درگیری‌های نظامی و ظهور چهره خشن و غیرقابل انعطاف طالبان، این تفکر هر لحظه در ایران طرفداران بیشتری پیدا می‌کند و احمد مسعود کم‌کم به تنها امید غلبه بر طالبان تبدیل شده است. با وجود گذشته تاریخی و انگیزه رهبران کنونی این جنبش هم‌اکنون و پس از ۲۰ سال با شرایطی کاملا متفاوت روبه‌رو هستیم و معادلات جهانی و منطقه‌ای به‌شدت تغییر یافته است. طالبان خود نیز مدعی تحول هستند، شرایط افغانستان تغییرات جدی کرده و صف‌بندی نیروهای سیاسی نیز به‌شدت تغییر یافته و ضروری است با تکیه بر واقعیت‌های میدانی و محیط جدید بین‌المللی، منطقه‌ای و جهانی ملاحظات و مخاطرات کنونی پیرامون جنبش امروز پنجشیر را مورد بازبینی مجدد قرار دهیم:

۲.۱ سال پس از آخرین حرکت نظامی در پنجشیر هم‌اکنون اطلاعات محدودی از توان لجستیکی و تسلیحات نظامی جنبش پنجشیر و تعداد نیروی انسانی رزمنده این ولایت وجود دارد و توان نظامی و لجستیکی آنان در مواجهه با طالبان در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. اینکه تاکتیک‌های پدافندی پنجشیر تا چه حد تکامل یافته یا از چه تجهیزات پیشرفته نظامی‌ای در قبال طالبان بهره می‌گیرند، به‌خوبی روشن نیست. با عنایت به غنایم نظامی که طالبان از قوای نظامی افغانستان و آمریکا به یغما گرفته‌اند و با تکیه بر روحیه قوی که از پیروزی برابر آمریکا و ارتش افغانستان به دست آورده‌اند، بی‌شک به‌دنبال پیروزی سریع و مقتدرانه‌ای در قبال جنبش پنجشیر هستند. همین امر باعث می‌شود طالبان تمامی توان نظامی و لجستیکی خود را به کار بگیرند و به قمار بزرگ و خشنی دست بزنند. قماری که ممکن است به سلطه بلامنازع طالبان ختم شود یا لطمه شدیدی بر اقتدار نظامی و امنیتی آنان در آستانه تشکیل دولت و اثبات موجودیت خود به جهانیان وارد کند.

۲. ادامه مقاومت پنجشیر بی‌شک ضربه مهلکی بر اقتدار طالبان وارد خواهد کرد و همین امر باعث می‌شود که چهره خشن این گروه بنیادگرا بر جهانیان مشخص‌تر شده و مهم‌تر آنکه دوستان و حامیان پشت‌پرده خارجی آنان سراسیمه به یاری او بشتابند. به شرط ادامه این نبرد، حضور فعال سازمان امنیت پاکستان، داعش خراسان و القاعده در حمایت از طالبان، همچون ترور ۲۰ سال پیش احمدشاه مسعود توسط القاعده، قطعی به نظر می‌رسد. بنابراین با تعصب و کینه تاریخی طالبان از منطقه پنجشیر، باید خشونت و خونریزی گسترده علیه مردم محلی در این منطقه را در صورت ادامه درگیری‌ها در تمامی محاسبات مد نظر قرار داد.

۳. در ۲۰ سال گذشته و در روند تحولات سیاسی و شکل‌گیری دولت تحت حمایت آمریکا و جامعه غرب، اکثر نخبگان سیاسی افغانستان و رهبران مجاهدین کارنامه درخشانی از خود در به‌کاربستن کمک‌های بین‌المللی در تأمین منافع ملی و توسعه فراگیر کشور از خود نشان ندادند. رهبران و نخبه‌های سیاسی پنجشیر نیز از این قاعده مستثنا نبودند. کسب ناشیانه قدرت سیاسی و مال‌اندوزی مفرط در بین بسیاری از فرماندهان سابق و هم‌رزمان سابق احمد شاه مسعود که هم‌اکنون به عنوان قهرمان ملی شناخته می‌شود، بسیاری از شهروندان افغانستان و حتی مردم پنجشیر را مأیوس و ناامید کرده است. نحوه برخورد کنونی بسیاری از رهبران مجاهدین که هم‌اکنون در ناز و نعمت و در دیگر کشورها در حال چانه‌زنی و معامله سیاسی با طالبان جهت سهم‌خواهی و عضویت در دولت فراگیر هستند خود نیز بخشی از کارنامه مردود این نخبگان است. بازسازی این اعتماد ازدست‌رفته قطعا به‌سادگی میسر نمی‌شود، اما ظهور احمد مسعود در مقام رهبری مقاومت پنجشیر و شباهت‌های کاریزماتیک او با پدر و اسطوره قهرمان ملی شاید در تقویت نوستالژیک این جنبش نقش مؤثری بازی کند.

۴. مقاومت قوای نظامی پنجشیر در زمانی‌که ازسوی شش استان هم‌جوار و سه‌راه اصلی ورودی محاصره شده و مشکل تأمین لجستیک نظامی و ذخیره مواد غذایی و خواروبار دارد بر کسی پوشیده نیست. شبکه ارتباط الکترونیک منطقه و برق برخی از مناطق قطع شده هر چند بسیاری از قریه‌ها با انرژی برق خورشیدی کار کرده و تجربه زندگی در شرایط قرنطینه امنیتی برای مردم پنجشیر تجربه جدیدی نیست، اما ۲۰ سال گذشته تحولات توسعه‌ای زیادی در منطقه پنجشیر به وجود آورده و وابستگی آنان به خارج از منطقه بن‌بست و کوهستانی خود و به‌خصوص به کابل را افزایش داده است.

ادامه در صفحه ۴

مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس بر عدم ورود آنان به مسئولیت‌های اجرائی توصیه کرده بودند

مجلس انقلابی و فراموشی یک نهی

قاضی‌زاده‌هاشمی برای تصدی ریاست بنیاد شهید از نمایندگی مجلس استعفا داد

امیرحسین قاضی‌زاده

سیداحسان خاندوزی

سیدجواد ساداتی‌نژاد

علیرضا زاکانی

شرق: «یکی از آسیب‌ها ورود نمایندگان در مسائل اجرائی است؛ فرض بفرمایید واردشدن در اینکه مدیرکل فلان تشکیلات در شهر ما یا در استان ما مثلا فرض کنید که چه کسی باشد، چه کسی نباشد؛ استاندار، فرماندار و از این قبیل. حالا یک‌وقت در مواردی یک حالت اضطراری ممکن است رخ بدهد که آن موارد استثنائی را من کاری ندارم اما به‌طور معمول نمایندگان محترم از این مسائل اجرائی باید کناره بگیرند، واردشدن در این مسائل و با مسئول اجرائی در این زمینه گفت‌وگوکردن و توافق‌کردن و امثال اینها خطراتی دارد؛ از این بایستی اجتناب بشود... یکی از آسیب‌ها این است که نماینده از اولی که وارد مجلس می‌شود، نقشه رسیدن به فلان پستِ مثلا اجرائی را در سر خودش بپروراند که وزیر بشود، مدیر بشود، فلان بشود. نه، این وظیفه نمایندگی بسیار مهم است. اگر انسان برای خدا کار بکند و درست کار بکند، از وظایف اجرائی اهمیتش بیشتر است یا لااقل در مواردی به قدر آنها اهمیت دارد. این‌جور نباشد که ما تا وارد مجلس شدیم، به فکر بیفتیم که خب حالا چه کار کنیم که مثلا در مرحله بعد یا در فلان دولت به فلان پست [برسیم]؛ اینها آسیب‌هاست، مجلس از این قبیل آسیب‌ها دارد. عزیزان من! مراقب باشید؛ شما هنوز اول کارتان است، بحمدالله، تازه وارد شده‌اید و این آسیب‌ها ان‌شاءالله به سراغ شما نیامده و نخواهد آمد [امّا] مراقب باشید. در این زمینه بایستی هیئت نظارت فعال باشد؛ هیئت نظارتی که نظارت [دارد] بر رفتار نمایندگان بایستی در این زمینه فعال باشد؛ اما بیش از نظارت، آن تقوای درونیِ خود شما و مراقبت‌های درونی خود شما است که می‌تواند کارآمد باشد و شما را از این آسیب‌ها محفوظ بدارد».

این سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ششم خرداد سال جاری یعنی کمتر از یک ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهاست که در دیدار تصویری با رئیس و نمایندگان مجلس مطرح کردند. متعاقب این نهی صریح همه انتظار داشتند که در وهله نخست سیدابراهیم رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور برگزیده، وزرای خود را از میان نمایندگان انتخاب نکند و از دیگرسو نمایندگان مجلس هم خود را متعهد به حضور در مجلس و پایبند به رأیی که از مردم گرفته‌اند، بدانند اما حالا و بعد از گذشت کمتر از سه ماه از دو انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها مشاهده می‌شود که برخی از نمایندگان اصولگرای مجلس یازدهم نه‌تنها در دولت حضور یافتند بلکه سِمت‌های دیگری چون شهرداری تهران و ریاست بنیاد شهید را بر نمایندگی مردم ترجیح دادند.

قاضی‌زاده‌هاشمی در مسیر بنیاد شهید

روز گذشته محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، در جلسه علنی مجلس، استعفای امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، نماینده مشهد و کلات از نمایندگی پارلمان را اعلام وصول کرد و آن‌طورکه گفته می‌شود قرار است قاضی‌زاده‌هاشمی از سوی رئیسی به‌عنوان رئیس بنیاد شهد معرفی شود. او که یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری بود و تمام تلاشش را برای دفاع از مواضع رئیسی به کار گرفت، پنج، شش روز پس از انتخابات مجلس یازدهم به رویکرد نمایندگان مجلس دهم می‌تاخت و یکی از نقاط مورد انتقاد را «مصلحت‌سنجی» معرفی می‌کرد. او به تاریخ هفتم اسفند ۱۳۹۸ در گفت‌وگو با خبرگزاری «فارس» گفته بود: «درواقع در مجلس مصلحت‌سنجی‌هایی انجام می‌شود که در افکار عمومی و در بین نیروهای سیاسی جایگاهی ندارد. با توجه به اقتضائات کشور نسبت به موضوعات تصمیم‌گیری می‌شود، این در حالی است که مردم دنبال نتیجه عملکردها هستند و به‌هرحال وقتی نارضایتی در مردم ایجاد می‌شود، این‌گونه نیست که فاصله‌گذاری شود و بگویند از مجلس نیست... نه اصلاح‌طلبان و نه اصولگرایان مجلس را در دست خود نمی‌دانستند؛ از این‌رو می‌گفتند پاسخ‌گوی مسائل نیستند».

یا چندی پیش از انتخابات مجلس در شرایطی که خود را آماده انتخابات می‌کرد، در جمع دانشجویان اتحادیه جامعه اسلامی با تأکید بر ضرورت اجرای گام دوم انقلاب می‌گفت: «گام دوم فرصت خوبی است تا در راهبردها و تاکتیک‌ها روش خود را عوض کنیم؛ یعنی اگر قرار است تمرکز در تهران پایان یابد، باید بدانیم برای رشد متوازن نیازمند چه تغییراتی هستیم. متأسفانه برخی به بهانه گام دوم تغییرات را در حد سطحی و به تغییر افراد می‌دانند؛ درحالی‌که این یک اشتباه راهبردی است. اگر جهت‌گیری‌ها تغییر نکند، به نتیجه نمی‌رسیم. البته این تغییرات تنها در جهت‌گیری سیاسی نیست زیرا مسئله اصلی کارآمدی و پاسخ‌گویی است و باید به این امور پرداخته شود و برای همه این مسائل طرحی نو داشت».

حالا او که با چنین سخنان پرطمطراقی و در دست‌داشتن کلی برنامه برای اداره مجلس و درحالی‌که یکی از صندلی‌های هیئت‌رئیسه را هم تصاحب کرده بود، قصد ترک جایگاه نمایندگی و برخلاف نهی صریح رهبری بنای حضور در بنیاد شهید را دارد و این در حالی است او در فیلم انتخاباتی‌اش با تکان‌دادن سفره‌ای، به استفاده از سفره انقلاب توسط برخی انتقاد می‌کرد.

علیرضا زاکانی در «بهشت»

علیرضا زاکانی هم یکی دیگر از آن کسانی است که گویا طعم شیرین رأی مردم و نمایندگی ملت ایران به مذاقش چندان خوش نیامد و کرسی شهرداری تهران را به نمایندگی مجلس ترجیح داد که شهردارشدن او نیز با حاشیه‌های فراوانی روبه‌رو شد؛ زیرا بر اساس قانون نمی‌توانست شهردار شود. مهم‌ترین ضابطه‌ای که درباره حضور افراد در شهرداری‌ها مطرح است و در تصویب‌نامه هیئت وزیران به تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۴به تصویب رسیده ماده سه این تصویب‌نامه شرایط انتخاب شهرداران را برشمرده که طبق آن برای شهرهای بالای یک‌میلیون نفر جمعیت باید شهردار سابقه ۹ سال مدیریت ارشد داشته باشد. در تبصره یک این ماده نیز عنوان شده که مدارک و رشته‌های تحصیلی مرتبط توسط وزیر کشور متناسب با درجه شهرداری تعیین می‌شود که هر دو این شروط باید هم‌زمان محقق باشد. شاید بتوان با تفسیری موسع نمایندگی مجلس را ذیل مدیریت ارشد اجرائی تفسیر کرد که این خالی از بحث نیست اما مشکل اصلی زاکانی به رشته تحصیلی نامرتبط و تخصص او برمی‌گردد. همان‌طورکه در تبصره ذیل ماده ۳ تصویب‌نامه هیئت وزیران آمده است، وزارت کشور مأمور شده تا رشته‌ها و تخصص‌های مرتبط با شهرداران را احصا و اعلام کند. وزارت کشور رشته‌های تحصیلی مرتبط را احصا کرد که در هیچ‌یک از آن رشته‌ها نامی از پزشکی هسته‌ای دیده نمی‌شود. زاکانی اما زیر بار این حرف‌ها نرفت و می‌گفت باید قانون اصلاح شود و حتی سروری، نایب‌رئیس شورای شهر هم ایراد را به نداشتن ویژگی‌های لازم زاکانی مرتبط ندانست و گفت که ایراد از قانون است! درنهایت هم به محض اخذ رأی اعتماد وزرای دولت رئیس از مجلس، وزارت کشور حکم زاکانی را تأیید کرد تا او به هر شیوه‌ای که هست، شهردار شود تا متعاقب این ماجرا علاوه بر نادیده‌گرفتن نهی رهبری مبنی بر عدم ورود نمایندگان مجلس به مسئولیت‌های اجرائی، قانون و رأی و اعتماد مردم نیز نادیده گرفته شود.

زاکانی هم چندی بعد از انتخابات مجلس با اشاره به اینکه یکی از مسئولیت‌های مهم مجلس یازدهم ریشه‌کن‌کردن فقر است، گفته بود: «صددرصد مشکلات فعلی مربوط به موضوع تحریم است ولی ۸۰ درصد آن تحریم داخلی و ۲۰ درصد آن تحریم آمریکاست؛ مسئولین کشور، تولید را تحریم کرده‌اند و امروزه به منشأ اصلی بسیاری از مشکلات تبدیل شده‌اند. کشور از نظر امکانات بسیار غنی است ولی افرادی مانند زالو به جان مردم افتادند و معیشت را به بزرگ‌ترین مشکل مردم تبدیل کرده‌اند». او همچنین با ارائه وعده‌هایی به مردم قم گفته بود: «مسائلی ازجمله فرودگاه، مترو، منوریل، بافت فرسوده، بافت تاریخی و ... که در استان قم زمین مانده است، باید پیگیری و رفع شود». همه اینها در حالی است که حالا با رفتن زاکانی از مجلس معلوم نیست تکلیف وعده‌های داده‌شده چه خواهد شد.

جواد ساداتی‌نژاد و وزارت جهاد کشاورزی

سیدجواد ساداتی‌نژاد هم نمایندگی مردم را رها کرد و وزارت جهاد کشاورزی را بر صندلی سبز مجلس ترجیح داد. نکته جالب در بررسی این موضوع آن است که ساداتی‌نژاد یکی از وزرایی شد که رأی بالایی از نمایندگان کسب کرد (۲۵۳ رأی موافق، ۲۷ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع) تا این موضوع چنین به ذهن برساند که گویا اکثریت نمایندگان مجلس با فراموش‌کردن سخنان مقام معظم رهبری هیچ مشکلی با نادیده‌گرفتن رأی مردم نیز ندارند.

احسان خاندوزی و وزارت اقتصاد

سیداحسان خاندوزی که اکنون بر صندلی وزارت اقتصاد تکیه زده است هم یکی دیگر از نمایندگی بود که مسئولیت اجرائی را بر وظیفه تقنینی و نظارتی ترجیح داد. جالب است که خاندوزی پیش از معرفی وزرای پیشنهادی سخنان رهبری را یادآوری کرده و گفته بود که ترجیح می‌دهد در مجلس بماند اما ناگهان برخلاف مواضع خود حاضر به ترک مجلس شد. او در مردادماه در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» گفته بود: «حتما دولت سیزدهم نیازمند آن است که در حوزه‌های اقتصادی که اولویت اول دولت است، با مجلس همکاری خوبی داشته باشد؛ به‌ویژه ما در اصلاح قوانین مالیاتی، بانکداری و رفع احصار کسب‌وکار قدم‌های خوبی در مجلس برداشته و با ادامه‌دادن آن قدم‌ها، بهترین همکاری را با دولت سیزدهم خواهیم داشت. ترجیح بنده این است که با حضور در مجلس به خوب‌تر عمل‌کردن دولت کمک کنم. تلقی بنده از فرمایشات رهبر انقلاب ممنوعیت نبود اما خوب است با توجه به ظرفیت نیروهای به کار گرفته نشده وسیعی که در میان نخبگان و جوانان وجود دارد، به استفاده از این ظرفیت کمک کنیم».

یک پرسش بی‌پاسخ

در شرایطی که تا انتخابات مجلس دوازدهم در سال ۱۴۰۲ هیچ انتخاباتی برگزار نمی‌شود که ذیل آن انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس هم انجام شود، پرسش این است که تکلیف این چهار صندلی خالی مجلس چه می‌شود؟ و چرا نمایندگان که اعتماد مردم را از آن خود کرده‌اند، می‌توانند به اراده و اختیار خود نمایندگی ملت را رها کرده و مسئولیتی دیگر در اختیار بگیرند؟ شاید این موضوع که نادرست‌بودنش مورد اشاره مقام معظم رهبری هم واقع شده، نیازمند قانون‌گذاری باشد تا بعد از این شاهد رفت‌وآمد نیروهای سیاسی از مجلس به دیگر قوا و نهادها نباشیم؛ هرچند به نظر می‌رسد این مهم در مجلس کنونی محقق نشود زیرا آن‌طورکه مشاهده می‌شود، نمایندگان فعلی چندان هم با این بدعت مخالف نباشند.

فقدان استراتژی نسبت به افغانستان در یک جریان سیاسی

صدای پنجشیر بالاخره به گوش اصولگرایان رسید

بالاخره گویا خبر مقاومت دره پنجشیر به رسانه‌های اصولگرا هم رسید! اصولگرایان که در چند وقت اخیر در برابر رخدادهای طالبان واکنش‌های مقطعی رفت و برگشتی دارند، به‌جای یک استراتژی واحد مدام تاکتیک عوض می‌کنند. یک بار می‌گویند طالبان تغییر کرده، شیعیان را نمی‌کشد و جنبش اصیل منطقه است. اما بعدا پشیمان می‌شوند و آنها را تروریست و جنایتکار می‌نامند. یا به بهانه اینکه سیاست ما عدم دخالت در سیاست داخلی افغانستان است، اخبار دره پنجشیر و مقاومت احمد مسعود، فرزند احمدشاه مسعود را بایکوت خبری می‌کنند. اما حالا آش آن‌قدر شور شد که گویا بالاخره سکوتشان را شکستند. صداوسیمایی که جشن بدرقه تابوت آمریکایی‌ها از سوی طالبان را شادی مردم افغانستان از خروج آمریکایی‌ها ترجمه می‌کرد، درباره احمد مسعود سکوت پیشه کرده یا حتی در برنامه‌های کارشناسی به انتقاد تلویحی از او پرداخته بود، حالا نگاه خبری محتاطانه‌ای به احمد مسعود داشته است.

کیهان که همواره در دفاع از جنبش‌های اسلامی منطقه قلم می‌زند، اینجا وقتی می‌خواهد به ماجرای مقاومت فرزند احمد شاه مسعود اشاره کند، بدون جانبداری که مدل یادداشت‌های مرسوم این روزنامه است، صرفا به ارائه گزارش از اوضاع افغانستان به نقل از خبرگزاری‌های رسمی و حساب‌های کاربری افراد می‌پردازد. این روزنامه نوشته است: «طبق اخبار تأییدنشده کشمکش میان طالبان بر سر سهم‌گیری از قدرت آغاز شده است. برخی منابع نیز اعلام کرده‌اند گروه حقانی علیه «ملاهبت‌الله» کودتا کرده است. ...گزارش‌ها از ولایت پنجشیر هم حاکی است نبردها به‌شدت بین نیروهای طالبان و نیروهای «احمد مسعود» ادامه دارد». این روزنامه از قول حساب کاربری «احمد مسعود» نوشت: «مقاومت ادامه دارد و ادامه خواهد یافت. من اینجا برای خاکم هستم و از عزت آن دفاع می‌کنم... کودکان در کابل از تیراندازی هوایی می‌ترسند، وقتی پنجشیر هنوز فتح نشده چه لزومی به تیراندازی هوایی است؟».

در روزهای اول قدرت‌گرفتن طالبان کیهان نوشته بود که طالبان تغییر رویه داده و با طالبانی که روزگاری سر می‌بریدند، فرق کرده اما بعد از بالاگرفتن موج اعتراضات نوشت: «درحالی‌که... ویدئوهای زیادی از کشتار دوباره شیعیان به دست شبه‌نظامیان طالبان منتشر شده است. این گروه در پیامی به شیعیان هرات مدعی شد که اگر آنها توانایی تأمین امنیت مراسم محرم را ندارند، این گروه برای تأمین امنیت این مراسم آمادگی دارد...». سایت اصولگرای «مشرق» هم ۱۴ تیر با سخنگوی این گروه تروریستی مصاحبه کرده و ذبیح‌الله مجاهد در جریان این گفت‌وگو با بیان اینکه «ایران به ما اعتماد کند»، از پرهیز طالبان از جنگ گفته و تضمین داده که خاک افغانستان محلی برای حمله به دیگر کشورها نشود. روزنامه جوان نیز عکس یک شماره ۱۵ تیر خود را به طالبان اختصاص داد و به نقل از آنان نوشت که «اصلاح شده‌ایم».

در روزهای گذشته هم از صداوسیما انتقاد شده بود که چرا درباره مقاومت در پنجشیر در قبال طالبان و محاصره با ادوات برجای‌مانده از ارتش آمریکا لحن سردی دارد اما گویا در اخبار ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه ۱۳ شهریور از تعبیر «مقاومت» استفاده و به احمد مسعود و کشته‌های طالبان هم اشاره شد. خبرگزاری صداوسیما به نقل از شبکه تلویزیونی العالم، احمد مسعود، فرمانده جبهه مقاومت ملی افغانستان و فرزند احمد شاه مسعود، سقوط دره پنجشیر را تکذیب و تأکید کرد تا او زنده است، این اتفاق رخ نخواهد داد. این درحالی بود که در روزهای قبل خبرنگار خبرگزاری صداوسیما از کابل گزارش داده بود که تیراندازی شدید در کابل در جریان است. او گفته بود که هنوز مشخص نیست که این تیراندازی هماهنگ طالبان برای چیست. درحالی‌که شبکه تلویزیونی الجزیره مباشر با پخش تصاویری از تیراندازی هوایی طالبان در کابل اعلام کرده بود که این تیراندازی به مناسبت سقوط دره پنجشیر است.

گزارشگر صداوسیما در نخستین گزارش‌های ارسالی خود بعد از سقوط دولت غنی گفته بود: طالبان کوچه‌هایی که به خاطر زندگی مقامات در آنها بسته شده بود، باز کرده است. اقدامات آنها مثبت بوده است. او در گزارش خود آورده بود که تاکنون گزارشی از اذیت و آزار مردم و تعرضی به نهادهای دیپلماتیک دیده نشده است. بانک‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و بزرگ‌ترین بازار صرافان فعلا تعطیل است. خدماتی مانند برق، اینترنت و تلفن مانند روزهای گذشته است.

اول شهریورماه هم کارشناس برنامه جهان‌آرای شبکه افق در اظهاراتی به مواضع پسر احمد شاه مسعود درباره طالبان واکنش نشان داد و از احمد مسعود تلویحا انتقاد کرده و گفته بود اگر درگیری نظامی بین نیروهای احمد مسعود و طالبان صورت بگیرد، مقصرش فرزند احمد شاه مسعود است و خسارت‌دیدگان اصلی این اتفاق هم مردم افغانستان هستند. او در ادامه هم گفته بود که تقریبا پیروز این صحنه معلوم است!

نکته جالب‌تر اینکه درحالی‌که سخنگوی طالبان در شبکه افق یا برخی رسانه‌های خبری متعلق به اصولگرایان حضور دارند اما هیچ خبری از گفت‌وگو با احمد مسعود و چهره‌های نزدیک به او حتی در ایران نیست. افرادی مانند حسین جعفریان هم هرشب در صفحه اینستاگرامش درباره رخدادهای افغانستان برنامه زنده دارد و حتی از نزدیکان احمد مسعود و فعالان سیاسی و نظامی در دره پنجشیر هم برای حضور در برنامه زنده دعوت به عمل می‌آورد.

برخی جریانات نزدیک به اصولگرایان اخیرا در توییتر مدعی ارتباط احمد مسعود با صهیونیست‌ها شده بودند یا اعلام می‌کنند که چون برخی شبکه‌های تلویزیونی لندن‌نشین از احمد مسعود و مقاومت دره پنجشیر در برابر طالبان حمایت می‌کنند، پس ما نباید از او و حمایت کنیم! این رویه با انتقاد شدید حسین جعفریان، کاردار سابق سفارت ایران در افغانستان و از یاران احمد شاه مسعود روبه‌رو شده بود. او گفته بود چرا سراغ من نمی‌آیید و واقعیت را از من جویا نمی‌شوید!

انتظار می‌رود با سخنان اخیر رئیسی که گفته «سرنوشت افغانستان باید توسط مردم این کشور تعیین شود و باور داریم اگر آمریکایی‌ها در این زمینه فتنه‌گری نکنند، این مسئله به‌سرعت حل‌وفصل خواهد شد» دیگر اصولگرایان و رسانه‌هایشان هم سیاست یکدست‌تری در مواجهه با رخدادهای اخیر افغانستان در پیش بگیرند.

روزنه

ابراهیم رئیسی سکاندار اقتصادی دولت را مشخص کرد

تقدم مخبر به رضایی

● **شرق:** رئیس‌جمهور بالاخره به‌صورت قاطع اعلام کرد مسئول هماهنگی تیم اقتصادی دولت «محمد مخبر» معاون‌اول او خواهد بود. ابراهیم رئیسی شنبه‌شب در اولین گفت‌وگوی زنده تلویزیونی خود به‌عنوان رئیس دولت عنوان کرد که همه بخش‌ها، کار را با معاون‌اول هماهنگ خواهند کرد تا طرح‌ها و بحث‌های مختلف با آهنگ واحدی در دولت چیده شود. او گفته در رأی اعتماد وزیران در مجلس هم این را اعلام کرد زیرا معاون‌اول دولت، قدرت بیشتری از حیث قانونی دارد و تیم اقتصادی می‌تواند هماهنگ با او کار کند و ستاد اقتصادی هم در جریان کار قرار خواهد گرفت. شایعه اختلاف‌نظر در تیم اقتصادی دولت بعد از آن بیشتر شد که رئیس‌جمهور در حکمی محسن رضایی را به‌عنوان معاون اقتصادی و دبیر ستاد اقتصادی دولت انتخاب کرد تا این‌گونه به نظر بیاید که قرار است برنامه‌های اقتصادی دولت زیر نظر دبیر سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد تا رئیس سابق ستاد اجرائی فرمان امام. هرچند در جلسات اقتصاد دولت، رضایی و مخبر در کنار هم می‌نشینند اما این تصور وجود دارد که هرکدام از این دو خود را متولی برنامه‌های اقتصادی دولت بدانند، عدم حضور معاون‌اول رئیس‌جمهور در جلسات هفته گذشته ستاد اقتصادی نیز به این امر دامن زد، بااین‌حال جماران نوشت که علت غیبت محمد مخبر کسالت جزئی بوده است و او در جلسه شنبه حضور داشته و از رئیس‌جمهور دو دستور اقتصادی هم دریافت کرده که نشان از این است که رئیسی سکان کشتی اقتصادی کشور را به مخبر سپرده است.

صادق‌الوعد باشیم

ابراهیم رئیسی وعده‌هایی نیز درباره مبارزه با فساد داده بود که درباره آنان گفت: «روز اول دولت به همه همکاران اعلام کردم که منافذ و بسترهای فساد را شناسایی کنند و این کار باید یک کار ویژه در دولت دنبال شود. قبل از شروع به کار رسمی دولت هم به دوستان و کارگروه‌هایی گفته بودم این کار را پیگیری کنند تا به‌عنوان یک منشور مبارزه با فساد در دولت مورد توجه قرار گیرد. ان‌شاءالله تا چند روز آینده، جزئیات این منشور به اطلاع تمام دولتمردان و نخبگان و مردم خواهد رسید». او همچنین از اعتماد آسیب‌دیده مردم گفت و عنوان کرد: «راه بازسازی اعتماد مردم، آن است که صادق‌الوعد باشیم. همه دولتمردان باید صادق‌الوعد باشند و وعده‌ای که داده شده را با صداقت پیگیری کنند و اگر محقق نشد، دلایل تحقق‌نیافتن آن را برای مردم تبیین کنند و توضیح دهند. مردم باید صادق‌بودن سخن دولت را احساس کنند. در این زمینه، بعد از توکل به خدا به همکاری مردم سخت امیدوارم. معتقدم مردم، نخبگان و دانشگاهیان خودشان همکاری خواهند کرد. در این مدت هم، اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی فرهنگی و حوزوی زیادی، با نوشتن نامه‌ها و طومارهایی و بدون داشتن هیچ درخواست مادی، برای همکاری با دولت اعلام آمادگی کردند».

با فعل ماضی سخن خواهم گفت

برنامه‌های اقتصادی ابراهیم رئیسی در دوران تبلیغات انتخاباتی نشان از آن داشت که او وعده‌های بزرگی به مردم داده است که یکی از آنها ساخت یک‌میلیون مسکن در سال است. او در این‌باره گفت: «با فعل ماضی با مردم صحبت خواهیم کرد و به آنان درباره اقدامات انجام‌شده گزارش خواهیم داد، وعده داده‌شده درباره ساخت مسکن باید عملی و اجرائی شود؛ زیرا ما بیش از یک‌میلیون مسکن در هرسال نیازمندیم». اینکه او چگونه منابع مالی وعده‌های خود را تأمین خواهد کرد تا شاخص‌های اقتصادی به هم نخورد، پرسشی بود که رئیسی در پاسخ به آن گفته: مغز متفکر و قوه عاقله‌ای که باید در این زمینه اندیشه کند، جمعی از درون و بیرون دولت هستند که این جمع در این یک ماه، مسائل مختلف را بررسی و پس از پایان کار، موارد را در ستاد اقتصادی دولت مطرح می‌کنند و در دولت تصمیم‌گیری می‌شود و مردم هم در جریان تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرند». او طعنه‌ای نیز به حسن روحانی زد و گفت: «تصمیمی نخواهیم گرفت که مردم صبح بیدار شوند ببینند تصمیمی گرفته شده که اصلا از آن مطلع نیستند. غیابی درباره بازار تصمیم نمی‌گیریم و حتما با بازار مشورت می‌کنیم».

ادامه از صفحه اول

امید و وحدت ملی

چون هر مدیر جدیدی که بیاید حداقل چند ماه طول می‌کشد تا استان و مشکلات و مسائل آن را درک کند و بشناسد و بعد از آن تازه شروع به ایجاد تغییرات کند. در مدیران و فرمانداران، همین‌طور به‌صورت دومینو جریان تغییر و تحول در کشور ادامه می‌یابد. توجه کنیم زمان محدود است و مشکلات فراوان و مردم در رنج و دشواری! همه انسان‌های متعهد و دوستدار ایران، اسلام، مردم و منافع ملی از اصولگرا تا اصلاح‌طلب در این شرایط دشوار باور به حمایت از میدان صادق، دلسوز مردم و کشور در جهت رفع مشکلات دارند. امید که متقابلا نیز شرایط لازم برای مشارکت فراهم شود.

***مدیرعامل انجمن بهره‌وری ایران**